

## نبرد مسلحانه . طرحی برای شکست

### اقبال نظرگاهی

کورش عرفانی در بحثی تحت عنوان "کردستان نخستین استان آزاد شده کشور ؟" از روش نبرد مسلحانه برای سرنگونی جمهوری اسلامی صحبت کرده است . این طرح مخالفان و موافقان زیادی داشته و دارد و طبعاً بستگی خاصی به شرایط های تاریخی که مردم در آن قرار میگیرند دارد. بنا به اصول بنیادی ، باید دید در پشت تمام کلمات و جملات منافع سیاسی - اقتصادی و فرهنگی کدام طبقه اجتماعی نهفته است . از سوی دیگر بررسی تاریخی هر پدیده اجتماعی ، ما را در قضاوت در باره آن کمک خواهد کرد. مبارزه مسلحانه هم در ایران و خاورمیانه و هم در سطح جهان دارای ده ها آزمون است . بطور خیلی خلاصه، فقط در قرن بیستم ، از میان صدها نبرد مسلحانه فقط انگشت شماری از آنها به پیروزی رسیدند ، سه نمونه برجسته و موفق این مدل از مبارزه در سه قاره عبارتند از انقلاب ۱۹۴۹ چین ، استقلال الجزایر در اوایل دهه شصت و کوبا ۱۹۵۹ . البته در هر سه قاره میتوان به چند نمونه موفق دیگر در کنار دهها مورد شکست اشاره کرد. اما همه نمونه های موفق متعلق قبل از دهه هفتاد هستند و در واقع مقطع پس از جنگ دوم جهانی و در برابر استعمار کهنه و برای استقلال سیاسی . سه دهه آخر قرن بیست فقط شکست است که نصیب جنگ چریکی میشود و مرتباً تکرار شده است نمونه های زنده و قابل لمس آن : در فلسطین در ترکیه ، در عراق و ایران و افغانستان میتوان دید. و اگر کسی جنگ به اصطلاح آزادیبخش خلق اریتره که ده \_ دوازده سال پیش به استقلال این قطعه از اتیوپی شد و حکومت خود مختار قوم پرستان کورد در شمال عراق را به عنوان پیروزی مردم قلمداد کند قبل از هر چیز ثابت کرده است که در صف مردم نیست و دنبال یک براندازی سیاسی و قدرت گیری خودش است . اینکه زندگی واقعی مردم چقدر تغییر میکنند برایش جایی ندارد .

نبرد مسلحانه از نظر من طرحی ضد انسانی و ضد انقلابی است . ضد انسانی است چرا که بر مبنای کشتن و کشته شدن بنا شده است که بیگمان شامل غیر نظامیان خیلی بیشتر از نظامیان میشود ، مردم را مستقیماً زیر توپ و بمباران میفرستد. نبرد مسلحانه طرحی ضد انقلابی است ، چرا که نه فقط مردم را به صحنه دخالت در سرنوشت خود واز آن طریق به دست گرفتن سرنوشت خود وارد نمیکند بلکه بلعکس آنها را از دخالت دور نگاه میدارد چه در پروسه سرنگونی رژیم و چه در بنای دولت جانشین . یک انقلاب واقعی که دست به ریشه های مشکل بشر امروز میبرد دارای اصول ، قواعد و مکانیسمهای اجتماعی ای است که مبارزه نظامی نه فقط بخش کوچکی از آن بلکه مختص به لحظات تاریخی خاصی است که نه بیرون از مردم و توسط احزاب سیاسی بلکه توسط خود مردم و در جهت رسیدن به خواستههای خود مردم علیه دشمن بکار میرود احزاب سیاسی در نقش سازماندهی و هماهنگی و تا حدودی رهبری جنبش اجتماعی عمل میکنند و نه در موضع صاحب قیام و تعیین چند و چون سرنوشت مردم و جامعه .

به نظر من نبرد مسلحانه یعنی لبنانیزه و یوگسلاویزه و افغانیزه کردن ایران و کردستان و هر کس در صف مردم باشد مخالف آنست لطفا توجه کنید ؛ کورش عرفانی میپرسد : " چه باید بکنیم تا چاشنی این بشکه باروت زده شود ؟ " و از آن به نتیجه نبرد مسلحانه میرسند ، این یعنی برداشت متفاوت از نقش مردم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ، برداشتی تا حد حذف آنها . ایشان مردم را در ذهن خود چنین تصور کرده که هر یک اسلحه خود را به سوی یک رژیم نشانه رفته و در انتظار دستور آتش است ، به مجرد اینکه " نیروها از خارج وارد منطقه " شوند و پاسدار کشی را آغاز کنند مردم هم از پنجره و پشت بام به سوی جمهوری اسلامی شلیک میکنند انگار دارد به کابل و بیروت و هرزگوییین فکر میکند این تصور غیر واقعی از مردم را کنار بخش دیگری از پوزسیون جمهوری اسلامی بگذارید که میگفتند اکثریت مطلق مردم شرکت کننده در انتخابات مشهور به دوم خرداد به اصلاح جمهوری اسلامی رأی دادند پس باید عاقل باشیم و به سر سفره سید خندان برگردیم اگرچه حضور آقا را خوشمان نیاید . هدفی که کورش عرفانی بعنوان امر مشترک نام برده عبارت از سرنگونی جمهوری اسلامی و این دقیقا تصور و انتظار ایشان از مردم به عنوان " بشکه باروت " را مجسم میکند . تاریخ مصرفی که بشکه باروت دارد ، نابود کردن هدف و ناپدید شدن است و این برداشت و آرزوی غیر کمونیستهاست که مردم را در معادلات آینده بر کنار نگه دارند . از سوی دیگر آیا این نبرد مسلحانه و انفجار بشکه باروت فقط ساختمان جمهوری اسلامی را ویران میکند ، آیا آدمهای داخل ساختمان زنده میمانند ، آیا چنین طرحی به معنی لبنانیزه کردن ایران نیست ؟ آقای کورش عرفانی از " مبارزه مسلحانه رادیکال توأم با فداکاری که یگانه طریق شکستن قفل روانی حاکم بر ملیونها ایرانی است " صحبت میکند . کدام قفل روانی ؟ کدام فرهنگ مسخ و ذلت پذیری ؟ کی میگوید مردم مسخ اسلام و ذلت پذیر حکومت هستند ؟ کدام زندان روانی ؟ مردم زندانی واقعی اسلام سیاسی هستند و نه فرهنگ اسلامی . اینکه درصدی هم معتقد به اسلام و دارای فرهنگ اسلامی باشند اصل موضوع است ؟ گویا قرار است " نبرد قهر آمیز " قفل این زندان را بشکنند . قفل زندان اسلام سیاسی دولت جمهوری اسلامی است که با " مبارزه مسلحانه توأم با فداکاری " شکسته نمیشود . توانایی نظامی دولت هم بیشتر است و هم همراه با فاشیسم اسلام سیاسی . و نیز اگر وشاید شما معتقد باشید که مردم در زندان نظام بازار آزاد و سیستم سرمایه داری و خرافات و اسلام و مذهب محبوسند ، چرا راه حل سکولاریستی و سوسیالیستی ارائه نمیدهید . آلترناتیو شما برای این زندان و زندانیان چیست ؟ چگونه بدون قدرت گیری خود مردم با شوراهایشان میتوان از بوجود آمدن زندانی دیگر جلوگیری کرد؟ و چرا فقط " ( یگانه راه ) " نبرد قهر آمیز و مبارزه مسلحانه رادیکال میتواند این قفل را بشکند ؟ آقای عرفانی میگوید : " کردستان در حال حاضر مستعد ترین مکان در ایران برای آغاز یک نبرد عملی سراسری " است . " کردستان میتواند نخستین استان آزاد شده کشور باشد " من در این جملات قبل از اینکه واقعیتی را پیدا کنم ، ذهنیتی را دریافت میکنم که وجه منفی آن را جمهوری اسلامی به مردم میگوید . چه خصوصیت ویژه و ابژکتیوی در کردستان و یا در مردم کردستان هست که آنها را منحصر از مبارزات مردم در دهها شهر دیگر ایران میگرداند؟ این " استعداد " خاص که در مردم کردستان هست ولی

در مردم ایران ضعیف است چیست ؟ آیا جز این است که شما فکر میکنید اینجا جایی است که " پتانسیل نیروهای حاضر به عمل که خوب مستقر هستند " و آیا این بیان یک واقعیت عینی است یا یک نگاه سیاسی به کردستان ؟ معلوم نیست مبارزه ای که سالهاست از خراسان و مازندران تا اصفهان و خوزستان ، کرمانشاه و کردستان و تهران شهرها ، کارخانه ها ، دانشگاهها و محلات را درمینوردد و با قوت همین امروز در جریان است ، چرا عمل سراسری موثر نیست اما جنگیدن در پای فلان تپهء کردستان " عملی سراسری " نام میگیرد ؟ خیلی ضروری است که آن نیروهای حاضر به عمل را نام ببرید ، و اگر نام ببرید مردم میتوانند اختلافات اصولی و اساسی میان آنها به خاطر داشته باشند و نسبت به سرنوشت خود در دست آنها حساس باشند . اگر تاریخ بیست ساله اخیر این نیروها و آنچه که امروز میگویند و انجام میدهند را در نظر بگیریم نتیجه بلاواسطه و عینی طرح " مستعد ترین مکان در ایران برای آغاز یک نبرد عملی " میشود یک جنگ محلی و خانگی تمام عیار که جمهوری اسلامی و همکلاسانش در کردستان بیشترین سود را از آن خواهند برد . اینکه من و شما شنیدیم که احزاب قومی-مذهبی کردستان بعلاوه کومله از تجربه جنگ داخلی کردستان عراق درس گرفته اند ، البته جای خوشحالی است . اما لطفا مردم را ساده اندیش و خود زیاد خوش بین نباشید ، به همین وقایع امروز در کردستان توجه کنید . همین یک ماه پیش رهبری حزب دموکرات به جمهوری اسلامی میگوید که آمادهء مذاکره است ، چراغ سبز پی در پی به حکومتی که مردم به جنگش برخاسته اند و دوم خردادها دارند فاتحه اش را میخوانند و شما باید بدانید که سودای یک مذاکره خواب همیشگی این حزب بوده است . با این وصف چگونه است که شما آنها را نیروی حاضر به عمل و مستعد نامیده اید و آیا منظور من اینست که این حزب با دیگران ارتش آزادیبخش تشکیل نمیدهد ؟ بلعکس آماده هستند اما تا کی ؟ هنوز ارتش آزادیبخش فرضی نوار مرزی را نپیموده که جمهوری اسلامی حزب دموکرات را میخرد . برای یک صبح عمر بیشتر دو امتیاز میدهد ، به آنها میگوید : " کردستان مال شماست خودتان آن را آزاد کنید " این از خمینی و خطاب به پیشمرگان مسلمان ( جاش ها ) بود . این بار میتواند از نه علی خامنه ای بلکه آخوند رام تری و خطاب به حزب دموکرات باشد ، نمیتواند؟ سپاه پاسداران اسلامی میتواند یک جوخه ترور و جنگ نا منظم از اوپاش مسلمان محلی بوجود آورد ، بعید است ؟ نیروی دیگر کومله است که البته منظورم سازمان کردستان حزب کمونیست ایران است که قاعدتا بنا به مواضع اعلام شده در چنین طرحی نباید شرکت کنند اما اگر شما تصورتان از کومله ، کومله قدیم است نه چنین نیست این کومله جدید است و من همینجا به شما قول میدهم که میتوانید روی آنها حساب کنید و مطمئن باشید از سایرین صادقتر خواهند بود . اما یک سازمان زحمتکش هم داریم که به خودش میگوید کومله ، ( مواظب باشید اگر به کردستان عراق رفتید به آنها بگویید کومله ، زور است دیگر ) روی این سازمان تا جا دارید حساب باز کنید . آقای عرفانی مطمئن باشید که تمام اصول شما را هم خواهند پذیرفت . اما امروز با خبر باشید و فردا مسئولیت کارهایتان به عهده خودتان . ارتش آزادیبخش فرضی که کردستان را نیمه آزاد و راهی " فتح تهران " است به قروه و همدان نرسیده ، این باند سیاه پاکسازی قومی و گروهی خود را از روستا های تحت نفوذ شروع میکند . اگر کسی قوم پرستی و فالانژیسم این باند

معروف را قبول ندارد، قبل از اینکه دستش روی دست فاشیستها برای " هر امر مشترکی " قرار گرفته باشد خود را در تحقق یک سناریوی سیاه بر مردم شریک کرده است. قلدری، تهدید نظامی و چاقوکشی. قوم پرستی، فارس ستیزی و جاسوسی و کردستان را ملک خود دانستن. دانش آموزان کورد با معلمین و محصلین غیر کورد البته فقط برای یک هفته صحبت نکنید و نمونه های دیگر حتما باید امثال کورش عرفانی را با هر درجه فاصله از مردم، متوجه چیزهایی کرده باشد و اگر نکند، قاعدتا ما کمونیستهای کارگری نمیتوانیم بشینیم و شاهد یوگسلاویزه شدن ایران باشیم. همانطور که گفتم سازمان زحمتکشان در طرحهایی همچون طرح نبرد مسلحانه قهر آمیز همراه با صداقت و اخلاص شرکت خواهد کرد و البته آقای عرفانی بدانند که با سازمان زحمتکشان صد البته " امر مشترک " دارند و آن دقیقا سرنگونی جمهوری اسلامی است و در حالیکه شما در تهران در تدارک جمهوری با عیار بالای دموکراسی هستید، سازمان زحمتکشان خواب یک ولایتمداری کوردی میبیند که دوستانشان ده سال است در کردستان عراق به آن مشغولند، یک اشراف سا لاری محلی زیر سایه دولت فدرال. اقتصادتان هم که البته آمریکایی یا همان بازار آزاد خواهد بود. انتقاد هم بکنید میگویند آقا شهید داده ایم، کردستان مال خودمان است، کمونیستها خائند و حتی شما را تهدید هسته ای هم خواهند کرد. انتقام حلبچه را میگیرند ( هر چند دوستان دوم خردادیشان و عمو جلا دشان مسبب آن بوده باشد ) اصلا ستم فارسها بر کردها و لرها از زمان سقوط دولت کوردی مادها به دست دولت فارسی هخامنشی تا امروز منهای دولت کریم خان زند را جبران میکنند.

" کردستان مستعدترین مکان در ایران " شاید هم منظور کردستان از نظر جغرافیایی باشد. مرز باز است و مردم در رفت و آمد؛ به معنی عدم توانایی در کنترل آن نیست روابط سیاسی جمهوری اسلامی و احزاب مشعشع کردستان عراق را فراموش نکنید. اینکه ذهنیت شما این باشد که نیروهای سیاسی حاضر به عمل خوب مستقر هستند که البته خودتان هم میدانید در بغل احزاب قومی عراق خوب مستقر هستند و این قبل از آنکه مژده ای به ارتش آزادیبخش فرضی باشد باید هشدار خوبی باشد. امروز حضور همه جانبه جمهوری اسلامی در شمال عراق و پول خرج کردنهایش برای آماده گی برای همان شرایطی است که شما پیشنهاد میدهید. خیلی روشن جیره بگیران از پشت سر حمله خواهند کرد.

نکته دیگر اینستکه در یکی از پیش شرطهای اتحاد آمده استکه نیروهای سیاسی\_ نظامی خواستهای محلی و استانی را کنار بگذارند و خواستهای ملی و میهنی را مطرح کنند. جالب است میشود عاشق خاک کشور بود اما نمیشود عاشق خاک استان بود ملت کوچکتر ساکت باشد چون ملت بزرگتر حرف میزند. اگر شما به ملت و میهن خودت مینازی و حرفت شده فارس و ایران همکلاسیتان هم میگوید کورد و کوردستان لر و لرستان اذری و اذربایجان عرب و خوزستان بلوچ و بلوچستان ترکمن و ترکمن استان، غیر از اینست؟ و این بالکانیزه کردن ایران و تکرار شرارتهای قومگرایی در یوگسلاوی نیست؟ شما که خود مبلغ ناسیونالیسم و تعریف و تقسیم انسان بر مبنای اینکه باچه زبانی صحبت میکنند و در کجا به دنیا آمده است هستید چگونه آنها از آن باز میدارید؟ بلاخره کمی جدی باشید.

از سوی دیگر نبرد مسلحانه قهر آمیز رادیکال توأم با فداکاری میتواند پاسخ مسلحانه قهرآمیز خشن توأم

باددمنشی داشته باشد اگر اپوزسیون مسلح نیروهایش را از خارج به منطقه منتقل میکند، لاجرم جمهوری اسلامی هم نیروهایی از مناطق مختلف به منطقه منتقل میکند. اگر شما فرهنگ فداکاری و مجاهدت دارید آنها کیش شهیدشدها دارند. شما اسلحه و تانک و هواپیما دارید آنها صد برابرش دارند. نتیجه جنگ را میتوانید تصور کنید؟ آوارگی پناهندگی، مرگ. این افغانیزه کردن ایران و در راستای سناریوی سیاهی است که جمهوری اسلامی از آن باکی ندارد.

ادبیات سیاسی آقای کورش عرفانی: ادبیاتی ملی- مذهبی و شرقی. مبارزه آزادیبخش - انتقام گیری - فداکاری - جامعه شورشی - خواستهای ملی و میهنی - فتح - استانهای کشور - پذیرش خطر - نبرد مسلحانه - در خط مبارزه - میدان اصلی مبارزه - فرهنگ مسخ و ذلت پذیری - بشکه باروت - گرسنه ها و بیکارها ( طبقه کارگر و اکثریت مردم ) - توهم به اپوزسیون یکپارچه - قتل و اعدام آقایان - بساطشان رابه آتش بکشیم . در عین حال جای نکات بسیار مهمی خالی مانده است . این ناگفته ها از ناروشن باقی گذاشتن آنست . آنچه از صحنه حذف است مردم هستند نقش مردم در این طرح و آینده آنها و نقشی که مردم در سرنوشت خود قاعدتا باید داشته باشند معلوم نیست . طرح و برنامه نیروهای متحد برای بعد از جمهوری اسلامی چیست . غیر از اینست که چه نیروهای ملی - اسلامی و چه ناسیونالیسم پرو غرب برنامه اقتصادی - اجتماعی همانندی با جمهوری اسلامی دارند که اصل مسئله است در واقع ؟

چرا انقلاب اجتماعی نه ، مشکل شما با به میدان آمدن خود مردم چیست. اعتصاب کارگران در کارخانه ها، اعتصاب فرهنگیان ، اعتصاب حمل و نقل ، اعتصاب پرستاران ، برق نفت مخابرات .... به میدان آمدن جوانان و زنان در انواع تشکلهای رادیکال و شورایی بسی آسانتر جمهوری اسلامی را به زمین میکوبد چنانچه مسلحانه و یک جنگ ویرانگر داخلی ؟ ما کمونیستها از مبارزه اجتماعی بخشهای مختلف مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و از حکومت خود مردم یعنی حکومت شورایی دفاع میکنیم . ما منافی جدا از منافع طبقه کارگر و اکثریت مردم نداریم . ما نماینده اکثریتیم .

زنده باد انقلاب اجتماعی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

دوم آبان ۱۳۸۱